

بررسی سازوکارهای حُسن تعبیر در ترجمهٔ تابوهای رمان الهوی از هیفا بیطار

۱- عبدالباسط عرب یوسف آبادی*، ۲- فرشته افضلی**

۱- استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه ملی زابل، زابل، ایران

۲- استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه دامغان، دامغان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۷)

چکیده

با گسترش روابط زبانی میان ملت‌ها، تأثیر و تأثر فرهنگی امری طبیعی جلوه می‌کند و این امر سبب ایجاد رابطه‌ای دوسویه میان زبان و فرهنگ می‌گردد. در این حالت، زبانی که بیش از همه تحت تأثیر قرار می‌گیرد، می‌تواند بیشتر در معرض ورود واژگان و تعبیر زبان فرادست قرار گیرد. بنابراین، نقش مترجم به عنوان عامل انتقال فرهنگ مبدأ به زبان مقصد حائز اهمیت است. در برخی از آثار زبان عربی، واژه‌ها و ساختارهایی وجود دارد که در جامعهٔ ما، تابو محسوب می‌شود و مترجم باید مناسب‌ترین راهکار را به کار گیرد تا از یک سو، از بار معنایی منفی تابو بکاهد و از سوی دیگر، در ترجمه‌اش امانت‌داری کرده باشد. به نظر می‌رسد حُسن تعبیر، راهکاری مناسب برای ترجمهٔ تابوها باشد. در پژوهش پیش رو، تلاش بر آن است با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی تابوهای رمان الهوی (۲۰۰۷م.) از هیفا بیطار بررسی شود و با استناد به ابزارهای زبانی حُسن تعبیر، مناسب‌ترین ترجمه برای آن‌ها ارائه گردد. نتایج نشان از آن دارد که شگرد حُسن تعبیر در ترجمهٔ تابوهای رمان، در حفظ و تقویت خودانگارهٔ اجتماعی مخاطب فارسی‌زبان بسیار مؤثر است. همچنین، استلزام معنایی (۲۳٪)، گسترش معنایی (۲۰٪) و مجاز (۱۸٪) پربسامدترین سازوکار حُسن تعبیر در ترجمهٔ پیشنهادی تابوهای رمان به شمار می‌آید.

واژگان کلیدی: تابو، حُسن تعبیر، استلزام معنایی، گسترش معنایی، رمان الهوی، هیفا بیطار.

* E- mail: arabighalam@uoz.ac.ir (نویسندهٔ مسئول)

** E- mail: f.afzali@du.ac.ir

مقدمه

کارکرد اصلی زبان، «ایجاد ارتباط میان افراد یک یا چند جامعه با یکدیگر» (عرعار و هاشمی، ۲۰۱۶م: ۱) است. این ارتباط به عنوان عنصری حیاتی در هویت افراد جوامع نقش آفرینی می‌کند. به دلیل دادوستدهای زبانی فراوان میان جوامع، زبانی که بیشتر از همه تحت تأثیر قرار می‌گیرد، می‌تواند بیشتر در معرض دگرگونی‌های ساختاری و واژگانی قرار گیرد. این امر سبب می‌شود از یک سو آن زبان از صورت اولیه خود خارج شود و از سوی دیگر، زمینه‌ای برای ورود مستقیم و بدون غربال فرهنگ بیگانه در میان گویشوران آن زبان گردد. بنابراین، نقش مترجم به عنوان عامل انتقال فرهنگ مبدأ به زبان مقصد اهمیت دارد.

بیان مسئله

تابوهای زبانی از جمله مسائلی است که نقش مترجم را در گرده برداری درست از زبان مقصد پررنگ می‌سازد. این پدیده زبانی که از آن به «ممنوعیت در رفتار زبانی» (اولمان، ۱۹۸۶م: ۱۹۳) تعبیر شده است و تقریباً در همه زبان‌های دنیا وجود دارد، «با ارزش‌ها و باورهای اجتماعی و فرهنگی زبان مبدأ پیوندی عمیق دارد» (فلوجل، ۱۹۶۶م، ج ۲: ۱۶۷). متون داستانی، به‌ویژه رمان، به دلیل اینکه خاستگاه تجربیات فردی و کنش‌های ناخودآگاه و واقعیات اجتماعی است، بازتاب تابوهایی همچون روابط جنسی، باده‌سرایی و دشواژه‌ها به شمار می‌آید و نقش درخور ملاحظه‌ای در ترویج فرهنگ و ارزش‌های زبان مبدأ به زبان مقصد دارد.

در برخی از رمان‌های زبان عربی، واژه‌ها و ساختارهایی وجود دارد که با همان شکل خاص خود، قابلیت ترجمه و چاپ به زبان فارسی را ندارد، به‌ویژه اگر اثری که برای ترجمه انتخاب می‌شود، رویکردی تابوشکن داشته باشد و خالق آن اثر کمتر به رعایت تابوهای پذیرفته جامعه‌اش اعتقاد داشته باشد.

از جمله راهکارهای مناسب در ترجمه تابوهای زبانی از عربی به فارسی، استفاده از شگرد «حُسن تعبیر» است. این شگرد که به عنوان یک راهبرد کلامی (Verbal strategy) در مطالعات مربوط به ممنوعیت‌های زبانی مورد استفاده زبان‌شناسان قرار می‌گیرد، چنین تعریف شده است: «شگردی است برای جایگزین کردن واژه خوشایند به جای واژه ناخوشایند که به دلیل ترس مذهبی، وجدان اخلاقی و یا ادب استفاده می‌شود» (Casas, 2009: 727). در ساخت حُسن تعبیر از ابزارهای زبانی مختلفی استفاده می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: تکرار شونده‌گی، حذف، وام‌واژه، استلزام معنایی، استعاره، مجاز، تضاد معنایی، کم‌گفت، ردّ خلف، گسترش معنایی و عبارات اشاره‌ای.

با توجه به این توضیحات، در پژوهش پیش رو، تلاش کرده‌ایم تا رمان معاصر عربی را مطالعه نماییم و راهکارهای ساخت حُسن تعبیر را در ترجمه تابوهای زبانی آن بررسی کنیم. به همین سبب، رمان *الهوی* (هوس) نوشته هیفاء بیطار (۱۹۶۰ م.)، رمان‌نویس مشهور سوری انتخاب شد. این رمان که در سال ۲۰۰۷ میلادی به چاپ رسید، هنوز به زبان فارسی ترجمه نشده است. بیطار در این رمان از رمز و راز دنیای زنانه پرده برمی‌دارد و برخی مسائل خاص زنان را بی‌پرده بازگو می‌کند. در این رمان، او با تصویر رنج‌های زنی که با سرکوب جامعه مردسالار مواجه است، تابوشکنی می‌کند و در این میان، برخی از صحنه‌های عشق‌بازی، باده‌نوشی و تابوهای اخلاقی را به تصویر می‌کشد.

روش، پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش

در جستار حاضر، تلاش شده تا میزان تأثیرگذاری سازوکارهای حُسن تعبیر در ترجمه تابوهای زبان عربی، بر ذهن و زبان خواننده فارسی‌زبان را کشف نماید. برای این کار، رمان *الهوی* انتخاب گردید و در گام نخست، تمام واژگان و جمله‌های آن بررسی شد و تابوهای آن که در راستای موضوع، اهداف و پرسش‌های پژوهش قرار می‌گیرد، گردآوری شد. این تابوها شامل روابط جنسی، نام بردن اندام‌های تناسلی، توصیف باده‌سرایی، واژه‌های قبیح و بی‌ادبانه، و بیان عادات و رفتارهای زشت اجتماعی می‌باشد. برای بررسی داده‌ها و دستیابی به نتیجه مناسب از روش تحلیل محتوا استفاده شد. بنابراین،

تمام واژگان و بندها، تحلیل و بررسی شد و بر اساس انواع تابوها و نیز راهکارهای مناسب برای حُسن تعبیرسازی تابوها، داده‌ها در جدول‌های مخصوص دسته‌بندی شد تا بستری مناسب برای بررسی موضوع و محتوای آن‌ها فراهم شود. برای عینی‌تر شدن تحلیل و امکان بررسی سنجیده‌تر، بسامد داده‌های برگرفته از رمان اندازه‌گیری، و به کمک فنون آمار توصیفی و استنباطی، نتایج پژوهش تفسیر شد.

پرسش‌هایی که در این جُستار در پی پاسخ آن‌ها هستیم، عبارتند از:

۱. کدام یک از سازوکارهای حُسن تعبیر در ترجمه تابوهای رمان *الهوی* برای سازش با هنجارهای فرهنگی کشور ایران پرکاربردتر است؟

۲. تا چه اندازه شگرد حُسن تعبیر، در تقویت و افزایش نزاکت اجتماعی و حفظ خودانگاره اجتماعی در مخاطب فارسی‌زبان کمک می‌کند؟

۳. سازوکارهای حُسن تعبیر در ترجمه تابوهای رمان با مفهوم اصلی داستان چقدر فاصله دارد؟

بنابراین، پژوهش بر پایه این فرضیه‌ها شکل گرفته است:

(الف) راهکار استلزام معنایی و گسترش معنایی در ترجمه تابوهای رمان *الهوی* پرکاربردتر است.

(ب) با توجه به اختلاف فرهنگی کشور ایران با کشورهای عربی، شگرد حُسن تعبیر در حفظ خودانگاره اجتماعی متون ترجمه‌شده به فارسی بسیار مؤثر است.

(ج) به جز راهکار حذف، بقیه راهکارهای حُسن تعبیر مقصود تابوها را در بافت معنایی داستان تغییر نمی‌دهند.

پیشینه پژوهش

تاکنون تحقیقات زیادی درباره هنجارها و تابوها و نیز راهکارهای ترجمه آن صورت پذیرفته است؛ از جمله آن‌ها، عبدی (۱۳۸۶) در پایان‌نامه «استراتژی‌های مترجم برای برخورد

با تابوها در فیلم‌های دوبله‌شده از انگلیسی به فارسی»، در پی شناسایی مشکل خلأهای واژگانی در ترجمه آثار ادبی است تا مشکلات احتمالی که مترجمان با آن‌ها مواجه می‌شوند، بررسی شود و راهکارهای مناسب برای ترجمه واژه‌های فرهنگی خاص ارائه گردد. شریفی و دارچینیان (۱۳۸۸) در مقاله «بررسی نمود زبانی تابو در ترجمه به فارسی و پیامدهای آن»، با بررسی برخی از متون ترجمه‌شده به زبان فارسی، تابوهای فرهنگ فرادست را دسته‌بندی نموده‌اند و بحث خودسانسوری، دیگرسانسوری و شیوه‌های رایج آن را مطرح کرده‌اند و چنین نتیجه گرفته‌اند که مهم‌ترین راهبردهای مترجمان در ترجمه تابوها، شامل حذف، واژه‌های کلی، وام‌واژه و ابداع واژه می‌باشد. بنایی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه «بررسی سانسور در ترجمه رمان به زبان فارسی با نگاهی به آثار گابریل گارسیا و پائولو کوئیلو» به بررسی سانسورهای نهادی و فردی در ترجمه آثار فوق پرداخته‌است و به این نتیجه رسیده که مترجم از طیف گسترده‌ای از راهکارهای حذف و جایگزینی در ترجمه تابوهای این آثار بهره می‌برد. قاضی‌زاده و مردانی (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی راهبردهای مترجمان در ترجمه تابوهای غربی در دوبله فیلم‌های انگلیسی به زبان فارسی» با بررسی توصیفی دوبله فیلم‌های انگلیسی‌زبان به فارسی، شگردهایی همچون دستکاری، تغییر و تعدیل را واکاوی کرده‌اند که مترجمان برای ترجمه تابوهای زبانی و فرهنگی به کار می‌گیرند. آذردشتی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه «رویکرد هنجارمحور به ترجمه تابوهای کلامی در ناطوردشت»، با نظر به اهمیت تابوهای کلامی به عنوان دشواری‌های پیش روی مترجمان در مواجهه با آن، رویکرد سه مترجم فارسی رمان ناطوردشت را در برخورد با تابوهای کلامی این رمان بررسی نموده‌است. وی به این نتیجه رسیده که در انتقال این تابوها به ترتیب بیشترین استراتژی، شامل تلطیف‌سازی، انتقال مستقیم، و جبران‌سازی می‌باشد. طالب‌نیا (۱۳۹۲) در پایان‌نامه «راهبردهای ترجمه تابو در دوبله فیلم‌های پلیسی»، ده فیلم سینمایی پلیسی به همراه دوبله آن را بررسی نموده‌است و قسمت‌هایی را که در دوبله فارسی تغییر یا دستکاری شده بود، استخراج و با اصل آن مقایسه کرده‌است. وی به این نتیجه رسیده که در این دوبله‌ها، از راهبرد افزایش، حذف، تخفیف و جایگزینی استفاده شده‌است. میرزایی و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله «شگرد ساده‌سازی تابوهای فرهنگی در برگردان‌های مرعشی‌پور از رمان‌های راه و کوچۀ مدق نجیب محفوظ» به شیوه‌هایی که

مرعشی‌پور برای ساده‌سازی زبان ترجمه در ترجمهٔ رمان‌های نجیب محفوظ استفاده کرده، اشاره کرده‌اند و مهم‌ترین آن‌ها را شامل حذف، جایگزینی و کاهش برشمرده‌اند. حیدری و علیزاده (۱۳۹۴) در مقالهٔ «نقش استراتژی ترجمه در جلوگیری از نفوذ زبانی و فرهنگی زبان مبدا فرادست در زبان مقصد فرودست» به این نکته اذعان می‌کنند که مترجم اولین کسی است که در معرض واژگان و فرهنگ بیگانه قرار می‌گیرد. بنابراین، با به‌کارگیری استراتژی‌های مناسب ترجمه، می‌تواند از نفوذ عناصر بیگانهٔ زبان فرادست جلوگیری نماید و در نتیجهٔ معادل‌یابی صحیح واژگانی و فرهنگی، از امر سلطهٔ فرهنگی در زبان فرودست ممانعت به عمل می‌آورد. امام (۱۳۹۵) در مقالهٔ «ترفندهای بومی‌سازی در ترجمهٔ فارسی فیلم‌های کارتونی: رئیس منزرعه، شئل قرمزی و پاندای کونگفوکار» می‌کوشد تا با بررسی فیلم‌نامه و ترجمهٔ فارسی سه فیلم فوق، شگردهای به‌کارگیری ترفندهای بومی‌سازی مترجمان و نیز دوبلورهای ایرانی را در این فیلم‌ها بررسی نماید و نوعی دسته‌بندی هشت‌گانه برای جایگزین‌سازی عرضه نماید. خزاعی فرید و قاضی‌زاده (۱۳۹۵) در مقالهٔ «تأثیر هنجارها بر روند ترجمه؛ موردپژوهی ترجمه‌های معاصر قرآن مجید» معتقدند که ترجمه‌های قرآن تحت تأثیر محدودیت‌های زبانی، اجتماعی و فرهنگی صورت گرفته‌است. بنابراین، چنین ترجمه‌هایی در تفسیر معنای قرآن است که با یکدیگر متفاوت هستند. امیری (۱۳۹۵) در پایان‌نامهٔ «بررسی راهکارهای ترجمه‌ای به‌کار گرفته شده در ترجمهٔ دشواژه‌ها در دوبله و زیرنویس فیلم‌ها از انگلیسی به فارسی»، پنج فیلم هالیوودی را به همراه نسخهٔ دوبله و زیرنویس آن بر اساس ده راهکار ترجمه‌ای ارائه‌شده از سوی گاتلیب سنجیده‌است و به این نتیجه رسیده که رایج‌ترین راهکار در دوبله، راهکار حذف، و در زیرنویس، راهکار انتقال می‌باشد.

همچنین، پژوهش‌های متعددی در ارتباط با شگرد حسن تعبیر و تأثیر آن بر زیبا‌سازی کلام انجام شده‌است؛ از آن جمله: حسام‌الدین (۱۹۸۵م). در کتاب *المحظورات اللغویة: دراسة دلالية للمستهجن والمحسن من الألفاظ* که به مسئلهٔ تابوهای زبان عربی پرداخت و شگرد حسن تعبیر را به عنوان یکی از راهکارهای مناسب برای نهادینه نشدن این تابوها در میان گویشوران عربی برشمرد. أبوزلال (۲۰۰۱م). در پایان‌نامهٔ «التعبير عن المحظور اللغوی

والمحسن اللفظی فی القرآن الکریم»، قرآن را به عنوان متنی کاملاً ادب محور معرفی می کند و با ذکر نمونه های فراوان اثبات می کند که در قرآن با استفاده از شگرد حُسن تعبیر سعی بر آن است که نزاکت اجتماعی مخاطب در تمام دوران ها و فرهنگ ها حفظ شود. العمّوش (۲۰۱۱م.) در پایان نامه «التلطف فی لغة القرآن»، ضمن استخراج شگرد حُسن تعبیر از آیاتی با محوریت تقوا، مرگ و ترس چنین نتیجه می گیرد که در تمام این آیات، گفتمانی ادبی از جانب پیام رسان (خداوند) به پیام گیر (انسان) حاکم است. بیاتی (۱۳۸۹) در پایان نامه «بررسی ساختار زبانی حُسن تعبیر در فارسی» به مهم ترین ساختارهای سازنده تعبیر زیبا در زبان فارسی پرداخته است و چنین نتیجه گرفته که در متون فارسی، تا حد امکان نزاکت اجتماعی و خودانگاره اجتماعی حفظ می شود، به همین سبب نویسندگان و شاعران فارسی زبان از شگرد حُسن تعبیر استفاده فروانی می کنند. نوروزی و عباس زاده (۱۳۸۹) در مقاله «حُسن تعبیر در زبان عربی» به ساختارهایی در زبان عربی اشاره نموده اند که در بیان مقولات و مفاهیمی به کار می رود که به واسطه حرمت عرفی یا اجتماعی و دینی از ذکر آن پرهیز می شود. ایشان این ساختارها را شامل کنایه، تضاد، ترادف، همانندی و تغییر آوایی برشمرده اند. السامر (۲۰۱۲م.) در مقاله «التهذیب الکلمی: دراسة إجتماعیة تداولیة»، ضمن پیوند دادن شگرد حُسن تعبیر به جامعه شناسی، به تحلیل چند الگوی متداول محاوره ای پرداخته است و میزان ادبیّت آن ها را بررسی کرده است. موسوی و بدخشان (۱۳۹۱) در مقاله «حُسن تعبیر ناپسند» به تحلیل کاربردشناختی شگرد حُسن تعبیر و تطبیق آن بر شواهد مختلفی از دشواژه های زبان فارسی و انگلیسی پرداخته اند و چنین نتیجه گرفته اند که این شگرد برای حفظ نزاکت اجتماعی و جلوگیری از خدشه دار شدن احساسات افراد بسیار مؤثر است. همین پژوهشگران (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی زبان شناختی به گویی در زبان فارسی» به ابزارهای گفتمانی قدرتمندی در زبان فارسی پرداخته اند که برای تقویت و افزایش نزاکت اجتماعی و حفظ خودانگاره اجتماعی طرفین گفتگو به کار می رود. ایشان این ابزارها را شامل تکرار شونده گی، حذف، وام گیری واژگانی، استلزام معنایی، استعاره و مجاز برشمرده اند. الثبیتی (۲۰۱۳م.) در مقاله «الظاهرة التلطّف فی الأساليب العربیة»، ضمن کاربردی شمردن شگرد حُسن تعبیر در حفظ خودانگاره اجتماعی

مخاطب، مهم‌ترین شگردهای زیباسازی جملات عربی را شامل مجاز، استعاره، تشبیه و تغییر آوایی برشمرده‌است. نهاد (۲۰۱۴م.) در مقاله «المحظورات والمحسنات اللغویة التركیبیة فی نهج البلاغة»، متن نهج البلاغة را به عنوان الگویی مناسب برای رعایت نزاکت اجتماعی و حفظ جایگاه اجتماعی مخاطب می‌داند و نمونه‌های فراوانی برای زیباسازی کلام از این اثر استخراج نموده که دال بر ادب‌محوری آن می‌باشد. پیروز و محرابی (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی معنی‌شناختی حُسن تعبیّرات مرتبط با مرگ در غزلیات حافظ»، به بررسی شیوه‌های سخن‌گویی از مرگ در غزلیات حافظ بر اساس مقوله حُسن تعبیر پرداختند و مهم‌ترین این شیوه‌ها را وام‌واژه، واژگان کلی، عبارات اشاره‌ای، ردّ خلف و تلویح معرفی نموده‌اند. حمراوی (۲۰۱۵م.) در مقاله «نظریة التأدب فی اللسانیات»، به ارائه الگوهای مؤدبانه زبان پرداخته که لیکاف (۱۹۷۳م.)، لیچ (۱۹۸۳م.) و براون و لوینسن (۱۹۸۷م.) مطرح نموده‌اند و همه این الگوها را قابل انطباق بر تمام متون عربی دانسته‌است. موسوی و بدخشان (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی حُسن تعبیر در زبان فارسی: رویکردی گفتمانی»، به بررسی سازوکارهای ساخت معنای حُسن تعبیری در زبان فارسی با استناد بر رویکرد گفتمانی کرسیو فرناندر پرداخته‌اند و مهم‌ترین راهبردهای آن را کاهنده عبارات شبه‌امری، افعال وجهی تعدیل‌گر، قیده‌های کاهنده و تضمن مکالمه‌ای برشمرده‌اند.

با توجه به پیشینه یادشده، علاوه بر اینکه تاکنون هیچ پژوهشی به بررسی تابوهای زبان عربی نپرداخته‌است، اثری نیز یافت نشد که به ارائه شگردهای حُسن تعبیر در ترجمه رمان‌های عربی بپردازد. بنابراین، می‌توان به درستی ادعا کرد که این نخستین اثری است که بدین موضوع و جامعه آماری مدّ نظر می‌پردازد. این در حالی است که در کشور ما، هر ساله چندین اثر ادبی از عربی به فارسی ترجمه می‌شود و بدون شک این ترجمه‌ها نقش چشمگیری در ترویج فرهنگ عربی دارد که گاه با فرهنگ غرب نیز عجین شده‌است و این امر بر ضرورت انجام چنین پژوهشی می‌افزاید.

۱. بحث و بررسی

۱-۱. تابوهای زبانی

«تابو» در مفهوم عام به «کلیه رفتارهای اجتماعی ممنوع» (کامل، ۱۹۶۳: ۲۷) اطلاق می‌شود و در زبان‌شناسی به «ممنوعیت در رفتارهای زبانی» (أولمان، ۱۹۸۶: ۱۹۳) تعبیر می‌شود. به دلیل اهمیت این پدیده زبانی، مطالعات بسیاری از جامعه‌شناسان زبان به این حوزه اختصاص یافته‌است. جامعه‌شناسان زبان دو نوع تابو برای زبان قائل هستند: «تابوی افراطی» که در آن کلّ یک زبان تابو می‌شود و بسامد وقوع آن در زبان‌ها کمتر است، و «تابوی غیرافراطی» که در آن، بخشی از یک زبان تابو می‌شود و تقریباً در همه زبان‌ها وجود دارد (ر.ک؛ اعتضادی و علمدار، ۱۳۸۷: ۶۹-۷۰). یکی از شاخه‌های کاربردشناسی زبان که به بحث درباره تأثیر بافت بر معنا می‌پردازد، «سازوکارهای رعایت ادب در زبان» (Thomas, 1995: 6) است. این سازوکارها در زبان‌ها متعدد هستند و «میزان کاربرد آن‌ها با عواملی همچون رسمیت بافت (Context)، فاصله اجتماعی (Social distance)، قدرت (Power)، صمیمیت (Intimacy) و همبستگی (Solidarity) ارتباط مستقیم دارد» (Modarresi Tehrani, 2009: 321-323). استفاده از تابوهای زبانی دقیقاً نقطه مقابل سازوکارهای ادب‌مندی (Politeness) زبان قرار می‌گیرد؛ زیرا با به کارگیری آن «روابط اجتماعی ارتباط میان پیام‌رسان و پیام‌گیر ملاحظه نمی‌شود» (Spencer, 1996: 1) و به نوعی «اعتبار اجتماعی (Social prestige) پیام‌رسان و پیام‌گیر تهدید می‌شود» (حمرای، ۲۰۱۵: ۱۳۶).

در یک تقسیم‌بندی کلی، تابوها به هفت دسته تقسیم می‌شود که عبارتند از: ۱. روابط جنسی؛ همچون بوسیدن، هم‌بستری و هم‌آغوشی. ۲. نام بردن اندام‌های تناسلی. ۳. نام بردن مشروبات الکلی و مواد مخدر. ۴. واژه‌های قبیح و بی‌ادبانه. ۵. بیان بدرفتاری‌ها و عادات زشت اجتماعی. ۶. محرمات دینی و اعتقادی. ۷. محدودیت‌های سیاسی (ر.ک؛ شریفی و دارچینیان، ۱۳۸۸: ۱۲۸). در توضیح می‌افزاییم که به دلیل اینکه جامعه آماری مورد بحث، زمانی است با درون‌مایه عاشقانه (رمان/لهوی)، پس از جستجو در تمام واژگان و جملات

رمان، تنها پنج مورد نخستِ تابوها در این رمان یافت شد و اثری از تابوهای دینی و سیاسی در آن وجود ندارد.

جدول ۱: بسامد و درصد انواع تابوها در رمان الهوی

	روابط جنسی	مشروب	عادات زشت	اندام تناسلی	واژه‌های قبیح	جمع کل
بسامد	۴۷	۲۱	۱۶	۸	۴	۹۶
درصد	%۴۹	%۲۲	%۱۷	%۸	%۴	%۱۰۰

۲-۱. شگردهای حُسن تعبیر در ترجمه تابوهای رمان الهوی

باتوجه به اینکه غالباً انسان‌ها تمایلی به نام بردن و یا شنیدن پدیده‌های مطلوب و زیانبار ندارند و تلاش می‌کنند در چنین وضعیتی از واژگان کنایه‌آمیز و ساختارهای ضمنی استفاده کنند، یک مترجم نیز در ترجمه آثار تابوشکن باید تمام تلاش خود را به کار گیرد تا با خواست و سلیقه عموم همسو گردد. در چنین حالتی، بهترین ابزاری که می‌تواند به کمک وی بیاید، استفاده از شگرد حُسن تعبیر است. با زیباسازی ساختار تابوهای زبانی و تکرار حرمت الفاظ، آن واژه تابو کم‌کم متروک و به بوتۀ فراموشی سپرده می‌شود و واژگانی زیبا با بار معنایی متفاوت در اذهان عموم نهادینه می‌گردد. جدول زیر گویای راهکارهای حُسن تعبیر مورد استفاده در ترجمه تابوهای رمان الهوی می‌باشد:

	استلزام معنایی	گسترش معنایی	مجاز	حذف	کم‌گفت	مضاعف‌سازی	عبارات اشاره‌ای	وام‌واژه	جمع کل
بسامد	۳۱	۲۷	۲۴	۲۱	۱۸	۷	۵	۳	۱۳۶
درصد	%۲۳	%۲۰	%۱۸	%۱۵	%۱۳	%۵	%۴	%۲	%۱۰۰

در ادامه، به تفصیل به هر یک از این راهکارها می‌پردازیم تا با بررسی آماری، میزان ادبیت شگرد حُسن تعبیر را در ترجمه رمان الهوی کشف نماییم.

۱-۲-۱. استلزام معنایی (Implication)

استلزام معنایی، «رابطه‌ای است سببی که در آن مفهوم یک جمله در گرو مفهوم جمله دیگر است» (أدراوی، ۲۰۱۱م: ۱۴). در این زمینه، «مصادیق تحت اللفظی یک واژه تابع مصادیق بافتی آن است» (Warren, 1992: 131). از این شیوه برای ساخت حُسن تعبیر بدین صورت استفاده می‌شود که «پیام‌رسان با مجموعه مصادیق تحت اللفظی پیام، مفهوم ناخوشایند دیگری - مجموعه مصادیق بافتی - را به صورت تلویحی اراده می‌کند» (کاده، ۲۰۱۴م: ۱۷۱). با این شگرد، از بار معنایی منفی پیام کاسته می‌شود و پیامگیر با درک و استنباط خود، معنای ناخوشایند پیام را درمی‌یابد. استلزام معنایی از جمله شگردهایی است که به مترجم این امکان را می‌دهد که همزمان که از بار معنایی منفی تابوها می‌کاهد، پیام تابو را به مخاطب نیز ارسال نماید. این شیوه با فراوانی ۳۱ (۲۳٪) از مجموع شگردهای حُسن تعبیر، پرکاربردترین شیوه حُسن تعبیر در ترجمه پیشنهادی تابوهای رمان *الهوی* می‌باشد. به چند نمونه از ترجمه رمان دقت نمایید:

ردیف	شاهد مثال	ترجمه پیشنهادی	ارجاع
۱	يحتاج أن يمتص حيويته وشبابي	نیاز دارد عصارة طراوت و جوانی‌ام را از من بگیرد.	۲۹۷
۲	أنها تضاجع رجلاً خارج حظيرة الزواج المقدسة	با مردی بیرون از حصار مقدس ازدواج رابطه برقرار می‌کرد.	۷۹
۳	قادها الحرمان العاطفي المديد إلى أحضان رجل	فقر عاطفی طولانی سبب شد، فرد دیگری وارد زندگی‌اش شود.	۸۰
۴	تسلم جسدها ببساطة لأي رجل	به راحتی به هر مردی پاسخ می‌دهد.	۹۵

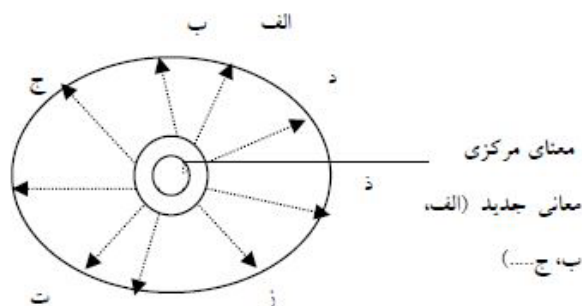
در مثال‌های بالا، عباراتی که دال بر ارتباط نزدیک (یمتص؛ تضاجع) و درآغوش گرفتن (أحضان الرجل) و تن‌فروشی (تسلم جسدها) است، در فرهنگ ما تابو محسوب می‌شود و برای ترجمه این عبارات نمی‌توان معادل صریح و واضح آن را ذکر کرد. در ترجمه پیشنهادی، از عباراتی استفاده شده‌است (گرفتن، ارتباط برقرار کردن، وارد زندگی کسی شدن و پاسخ دادن) که معنای تلویحی مورد نظر که بار معنایی منفی دارد، به طور

مستقیم بیان نمی‌شود، بلکه مخاطب با استفاده از فرایند استلزام، از بافت زبانی که جمله در آن بیان شده‌است، معنای تلویحی عبارت را استنباط می‌کند. مترجم با این راهکار، با اینکه به مفهوم و محتوای کلام خدشه‌ای وارد نمی‌کند، فرایند استخراج معنای ناخوشایند را نیز بر عهده مخاطب می‌گذارد.

۲-۲-۱. گسترش معنایی (Extension of meaning)

یک پیام در بافت‌های مختلف می‌تواند معانی گوناگونی داشته باشد که به آن شبکه شعاعی (Radial network) معنا می‌گویند (Evans & Green, 2006: 331). بر طبق این نظریه، معنا یک حالت مرکزی یا پیش‌نمونه‌ای (Prototype) دارد که «دیگر معانی حقیقی یا مجازی که شعاع‌های معنای اصلی به‌شمار می‌آید، از آن گسترش می‌یابد» (بلعرج، ۲۰۰۶م: ۲). نمودار زیر گویای چگونگی گسترش معانی مختلف در یک پیام است:

شبکه شعاعی



گسترش معنایی در ترجمه یک متن به زبان دیگر قابل انطباق است؛ بدین گونه که مترجم بر اساس بافت متن و انطباق آن بر فرهنگ مقصد، معنای واژه‌هایی را که درباره یک معنای مرکزی شکل می‌گیرد، کنار هم می‌گذارد و بر اساس معنای مرکزی، معانی دیگر را می‌سازد. در حقیقت، مترجم با گسترش این معانی، یک شبکه شعاعی می‌سازد که به او این امکان را می‌دهد که هر یک از معانی نوظهور را با فرهنگ مقصد تطبیق دهد و مناسب‌ترین آن را انتخاب نماید. این شگرد در ترجمه تابوها از زبان مبدأ به مقصد

پراکندگی است. در ترجمه پیشنهادی تابوهای رمان الهوی، از این شگرد ۲۷ بار (۲۰٪) از مجموع شگردهای حُسن تعبیر) استفاده شده است. مثال‌های زیر نشانگر کارکرد مناسب شگرد گسترش معنایی در جامعه آماری مد نظر است:

ردیف	شاهد مثال	ترجمه پیشنهادی	ارجاع
۱	المرأة التي يعرف الجميع أن لديها عشيقاً.	زنی که همه از روابط عاطفی‌اش آگاهی دارند.	۷۹
۲	وهي تهبُ جسدها بحبٍ لحبيبتها.	هنگامی که عشق سبب وصال آن‌ها شد.	۸۲
۳	يعتبر أن جسد المرأة مكسباً وغنيمه.	به زن همچون یک کالا می‌نگریست.	۸۳
۴	كنتُ أذعن لرغبته أحياناً أن يداعب جسدي.	گاهی به او اجازه می‌دادم که به من نزدیک‌تر شود.	۲۸۳

در مثال‌های بالا، برخی از عبارت‌هایی که ترجمه آن سبب مطرح شدن مسئله‌ای غیراخلاقی و مخالف با فرهنگ و جامعه ایران می‌گردد، به گونه‌ای ترجمه شده است که از بار تابوی آن کاسته شود و به ساختارهای حُسن تعبیر نزدیک‌تر شود. در این فرایند، زیرمقوله عینی که دال بر ارتباط داشتن زن و مرد (لیدیها عشیقاً) و نزدیکی جسمی زن و مرد است (تهبُ جسدها، يُداعب جسدي) و نگاه مادی به زن (جسد المرأة مکسباً و غنیمه) به سطح انتزاعی‌تر منتقل می‌شود. بنابراین، با واژگانی تعبیر می‌شود که در سطح بالاتری از مقوله‌بندی (Categorization) قرار دارد. در این حالت، حُسن تعبیر جامعیت بیشتری پیدا می‌کند و شامل آن تعابیر ناخوشایند نیز می‌شود. شگرد گسترش معنایی این امکان را به مترجم می‌دهد که «مفاهیم تابو را غیر ملموس و انتزاعی کند و از طریق این انتزاعی‌سازی، تأثیرات معنای منفی واژه را کاهش دهد» (Williams, 1975: 200). با دقت در تابوهای رمان الهوی و ترجمه آن‌ها با استفاده از شگرد گسترش معنایی، این حقیقت آشکار می‌شود که این شگرد برای زیباسازی تعابیر ناپسند، به‌ویژه تابوهای جنسی، بسیار مناسب است.

۳-۲-۱. مجاز (Trope)

مجاز به معنای «کاربرد واژه و عبارتی در معنایی غیر از معنای حقیقی آن» (الجرجانی، ۱۹۹۲م: ۳۹۵) تعریف شده است. مخاطب در صورتی معنای مجازی را درک می‌کند که «میان معنای حقیقی و معنای غیر حقیقی مناسبتی وجود داشته باشد» (التفتازانی، ۱۹۹۱م: ۲۱۸). مجاز یکی از مناسب‌ترین شگردهایی است که مترجم می‌تواند از آن برای ترجمه یک متن و عبارت استفاده کند، به‌ویژه زمانی که واژه و تعبیری که قصد ترجمه آن را دارد، از بار تابویی برخوردار باشد و در فرهنگ مقصد پذیرفتنی نباشد. علت کارکرد این شگرد در ترجمه تابوها این است که مجاز به دلیل داشتن تأویل و بیان حقایق پنهان، در ظاهر از مطرح شدن برخی موضوعات ممانعت می‌کند، اما به دلیل تطابق با روح و حقیقت معنایی، محتوای آن موضوع را در خود حفظ می‌کند. در علم بلاغت، انواع مختلفی برای مجاز تعریف شده است، اما مناسب‌ترین نوع مجاز برای ترجمه تابوها، به‌ویژه تابوهای جنسی، مجاز کُل به جزء (Synecdoche) است؛ زیرا در تابوهای جنسی، به‌وضوح از اندام‌های تناسلی و یا نوع ارتباطی که با اعضای بدن صورت می‌پذیرد، نام برده می‌شود و برای اینکه از بار معنایی منفی آن‌ها کاسته شود، واژه یا عبارتی کُلّی‌تر ذکر می‌شود و خواننده بنا بر بافت و سیاق عبارت درک می‌کند که مقصود مترجم، آن جزء خاص می‌باشد. در ترجمه پیشنهادی تابوهای رمان *الهوی*، از این شگرد ۲۴ بار (۱۸٪) از مجموع شگردهای حُسن تعبیر) استفاده شده است. به چند نمونه بنگرید:

ردیف	شاهد مثال	ترجمه پیشنهادی	ارجاع
۱	یرید أن یخزنَ مَلَمَسَی فقط.	می‌خواست تنها <u>بدنم</u> را لمس کند.	۲۰۵
۲	القماش الحریری متحسر عن فخذی.	پارچه حریر <u>پاهایم</u> را نشان می‌داد.	۲۳۱
۳	یتدوّقُ نَبِیْذَه الأبیضَ.	<u>نوشیدنی سفید</u> را می‌چشد.	۲۶۱
۴	حین طلبتُ كأساً ثانیاً من النبیذ... ابتلعتُ النبیذَ.	هنگامی که فنجان دومی از آن <u>نوشیدنی</u> خواست... آن را سر کشید.	۱۸

در مثال‌های بالا از واژگانی استفاده شده است (الملمس، الفخذ، النیذ) که به صورت مستقل و یا در بافت کلام، تابو به حساب می‌آید. بنابراین، در ترجمه پیشنهادی، از شگرد مجاز کُل به جزء برای ایجاد معنای حُسن تعبیر استفاده می‌شود، بدین گونه که با واژگانی همچون «بدن، پاها و نوشیدنی» (واژگان کَلّی) در مقابل واژگانی چون «نرمی، باسن و شراب» (واژگان جزئی)، آن تعبیر ناخوشایند به حاشیه رانده می‌شود. در این حالت است که توجه مخاطب از موضوعات و مقولات اصلی که بار معنایی منفی دارد، به سمت موضوعات و مقولاتی هدایت می‌شود که بار معنایی خنثی یا خوشایند دارد.

۱-۲-۴. حذف (Elision)

حذف به عنوان یک شگرد بلاغی، به «پرهیز از ذکر بخشی از کلام به سبب کارکرد بلاغی خاصی همچون تعظیم، گزیده‌گویی، ابهام و مراعات ادب» (الزركشي، ۱۹۸۸م: ۱۱۵) اطلاق می‌شود. در برخی از متون، واژه‌ها و عباراتی وجود دارد که بار معنایی بسیار منفی دارد. مترجم به هنگام ترجمه این عبارات به زبان فارسی، گریزی جز حذف آن‌ها ندارد؛ چراکه بلاغت‌ورزی مترجم گاهی اوقات از رهگذر «نگفتن» است و نه «گفتن». در ترجمه تابوهای رمان الهوی که بیشتر تابوهای جنسی هستند، از این شگرد ۲۱ بار (۱۵٪ از مجموع شگردهای حُسن تعبیر) استفاده شده است که به دلیل بار معنایی بسیار منفی این تعابیر، از ذکر آن‌ها امتناع ورزیده می‌شود. این چنین تعابیری عموماً دال بر تحریک قوه جنسی، رابطه جنسی بسیار نزدیک و عریان کردن تن است، بنابراین هنگام ترجمه آن‌ها چاره‌ای جز حذف آن‌ها نیست. خواننده به هنگام مطالعه رمان و دنبال کردن پیرنگ داستان، متوجه برخی از حذف‌های داستان می‌شود؛ چراکه چنین حذف‌هایی معمولاً برای برجسته ساختن پیامی خاص شکل می‌یابد و سیاق کَلّی متن، معیاری برجسته در تعیین عناصر محذوف است. در چنین شرایطی، نقش مترجم در انطباق بخش‌های داستان بر سیاق متن و درک قسمت‌های محذوف دوچندان می‌شود.

۵-۲-۱. کم‌گفت (Understatement)

یکی دیگر از شگردهایی که در ترجمهٔ تابوها به کار می‌آید و به واسطهٔ آن، «تنها قسمتی از واقعیت بیان می‌شود» (Allan & Burridge, 1991: 33)، شگرد «کم‌گفت» است. با استفاده از این شگرد، برخی از مفاهیمی که بار معنایی منفی دارند، ضعیف‌تر و ملایم‌تر از حدّ خود بیان می‌شود. در زبان فارسی، استفاده از ترکیب «داروی آرام‌بخش» به جای «مواد مخدر» نوعی کم‌گفت به شمار می‌آید. در ترجمهٔ تابوهای رمان *الهوی*، از این شیوه ۱۸ بار (۱۳٪) از مجموع شگردهای حُسن تعبیر) استفاده شده‌است. به چند نمونه مثال دقت کنید:

ردیف	شاهد مثال	ترجمهٔ پیشنهادی	ارجاع
۱	ابنته قحبه.	دخترش بی‌حیاست.	۸۱
۲	حذره دوماً أن تحافظ علی عذریتها.	همیشه مراقب بود که عفتش لکه‌دار نشود.	۸۶
۳	الرجل الشرقي یقدس العذریة.	مرد شرقی عفت زن را دوست دارد.	۸۷
۴	الرشاوی الهائلة الّتی یقبضونها علی کلّ خربشة من توقعهم.	هدیه‌های هنگفتی که با هر امضای خود می‌گیرند.	۱۴۱

در ترجمهٔ پیشنهادی، واژگان قحبه (روسی)، عذریه (باکرگی) و الرشاوی (رشوه)، از تعابیری استفاده شده‌است که بیانگر تمام مفهوم منفی تابو نمی‌باشد، بلکه به بخشی از آن اکتفا می‌کند؛ به تعبیری دیگر، در ترجمهٔ آن‌ها، کم‌گویی صورت می‌گیرد. این شگرد از یک سو از نفوذ رفتارهای زشت و ناپسند در فرهنگ ما جلوگیری می‌کند و از سوی دیگر، با قابلیت حُسن تعبیری خود، در زیباسازی ترجمه نیز کمک می‌کند.

۶-۲-۱. مضاعف‌سازی (Reduplication)

هرگاه تمام یا بخش‌هایی از یک واژه تکرار شود، فرایند مضاعف‌سازی رخ داده‌است (Inkelas, 2006: 417). برای بیان برخی از واژه‌ها که فرهنگ غالب مانع از به زبان آوردن

آن‌ها می‌شود، می‌توان از این فرایند استفاده کرد. این در حالی است که اگر بافت کلام پیرامون مسئله‌ای باشد که تابو محسوب می‌شود، استفاده از شگرد مضاعف‌سازی می‌تواند مخاطب را به گونه‌ای ضمنی به معنای خروجی کلام رهنمون سازد؛ به عنوان مثال، استفاده از عبارت «فلان فلان شده؛ گوربه گور شده؛ دربه در شده» به جای فُحش و دشنام و یا به جای نام اختصاصی اندام‌های تناسلی می‌تواند از بار تابویی عبارت بکاهد و نیز می‌تواند حاوی پیامی باشد که مدّ نظر گوینده است. مترجم نیز در ترجمه متنی که حاوی چنین عباراتی است، می‌تواند از این شگرد استفاده کند. در ترجمه پیشنهادی تابوهای رمان *الهوی*، ۷ بار از این شگرد استفاده شده است. در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

ردیف	شاهد مثال	ترجمه پیشنهادی	ارجاع
۱	فقال لی أحدُهم: <u>إخرسی</u> .	یکی از آن‌ها به من گفت: <u>سکوت! سکوت!</u>	۲۹
۲	ابن الکلب.	<u>گوربه گور شده</u>	۳۲

۷-۲-۱. عبارات اشاره‌ای (Referenced phrases)

عبارات اشاره‌ای «به عباراتی اطلاق می‌شود که می‌تواند جانشین گروه اسمی شود» (خطابی، ۱۹۹۱م: ۱۷). این شگرد از سوی عبارت‌هایی انجام می‌شود که معنای خود را از درون بافت متن به دست می‌آورد. در زبان فارسی، ضمائر «این» و «آن» و ترکیبات آن‌ها برای اشاره به گروه اسمی خاصی به کار می‌رود. استفاده از این عبارات تا حد زیادی بر این اساس است که چه چیزی را گوینده فرض می‌کند که شنونده پیش از این می‌داند است. مترجم هنگام ترجمه برخی از تابوها می‌تواند به جای نام بردن از تابوها، از عبارات اشاره‌ای استفاده کند تا با این کار، از بار منفی تابوها کاسته شود. از آنجا که در چنین ترجمه‌هایی هویت عبارات اشاره‌ای مشخص است، پس «تنها به عبارات اشاره‌ای اکتفا می‌شود و از ذکر مرجع در پیش یا پس از عبارات خودداری می‌شود» (عقیقی، ۲۰۰۷م: ۱۳). در ترجمه پیشنهادی رمان *الهوی*، ۵ بار از عبارات اشاره‌ای برای اشاره به تابوها استفاده شده است که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود:

ارجاع	ترجمه پیشنهادی	شاهد مثال	ردیف
۸۱	انگار لحظة هم آغوشی، آنچایشان زیانه می کشد.	کما لو أن رجولته وفحولته تتوهجان حين يضاجع.	۱
۳۰۶	تا آنچایش را نشان دهد.	لیکشف عورته	۳

۸-۲-۱. وام‌واژه (Loanword)

زبان، پدیده‌ای پویاست که با گسترش روابط میان کشورهای جهان و پیشرفت وسایل ارتباط جمعی، در ساحت آن دگرگونی‌های زیادی رخ می‌دهد و «این امر سبب می‌شود برخی از زبان‌ها، از زبان‌های دیگر واژه‌هایی را وام بگیرد» (الغیلی، ۲۰۰۸م: ۶۶). وام‌واژه‌ها به عنوان پدیده‌ای پذیرفتنی در زبان، از مسائل محوری زبان به شمار می‌آید و «در هر جامعه، به موازات دگرگونی‌های داخلی و تاریخی که در اثر ارتباط با جوامع دیگر حاصل می‌شود، واژگان زبان آن نیز دستخوش تغییر می‌گردد» (شاهین، ۱۹۸۴م: ۱۹۰). یکی از کارکردهای وام‌واژه‌ها، کارکرد حُسن تعبیری آن است. وام‌واژه‌ها در حوزه‌های مختلف تابوها، به‌ویژه روابط جنسی، اندام‌های تناسلی و ترشحات بدن به کار می‌رود. علت این کارکرد آن است که «بیشتر افراد جامعه با این واژه‌ها آشنایی ندارند» (Hammad, 2007: 9). استفاده از واژه‌هایی چون «میکینگ لاو: Making Love»، «لواط»، «معاشقه»، «بول»، «غائط» و «کورتاژ» به جای «روابط نزدیک جنسی»، «شاهدبازی»، «لمس بدن»، «ادار»، «مدفوع» و «سقط جنین» از جمله کارکردهای حُسن تعبیری وام‌واژه‌ها می‌باشد. از آنجا که نویسنده رمان *الهوی*، زن است و از نظر جامعه‌شناسان زبان، «زن‌ها در مقایسه با مردها از صورت صحیح زبان بیشتر استفاده می‌کنند» (شکیبا، ۱۳۸۶: ۱۴۱)، پس نویسنده رمان تلاش می‌کند تا حد امکان از نام صریح تابوها خودداری کند. به همین دلیل است که شگرد وام‌واژه در ترجمه پیشنهادی تابوهای این رمان، کمترین بسامد (۳ بار) را به خود اختصاص داده است. در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

ردیف	شاهد مثال	ترجمه پیشنهادی	ارجاع
۱	صارت تَقْرَفُ مِنْ وَلَعِهْ بِأَفْلَامِ الْبُورِنُو.	از توجه به فیلم‌های پورن ^۱ منزجر می‌شد.	۸۴
۲	طَلَبَ مِنَ النَّادِلِ زَجَاجَةً نَبِيذَ شَارْدُونِيَّةٍ.	از گارسون نوشیدنی شارودنی ^۲ خواست.	۱۸۸

در ترجمه‌های پیشنهادی بالا، مترجم هنگام بیان واژه‌های ناخوشایند، با تغییر رمز زبانی واژه و استفاده از شگرد وام‌واژه، به شنونده این امکان را می‌دهد تا برای شناخت بیشتر تلاش کند و مصادیق وام‌واژه‌ها را درک نماید. این امر علاوه بر اینکه بر زیباسازی ترجمه رمان الهوی کمک شایانی می‌کند، از نفوذ مسائل غیراخلاقی در فرهنگ مقصد نیز جلوگیری می‌نماید.

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه درباره شگرد حُسن تعبیر در ترجمه رمان الهوی گفته شد، نتایج زیر به دست می‌آید:

رمان الهوی به دلیل تصویرگری دنیای زنانه، رمانی تابوشکن است که در آن برخی از صحنه‌های جنسی و باده‌نوشی به تصویر کشیده می‌شود. در صورت ترجمه این رمان به زبان فارسی و برای تعبیر تابوهای آن، باید از ساختارهای ضمنی و غیرمستقیم زبان استفاده کرد که شگرد «حُسن تعبیر»، راهکاری مناسب برای این امر است.

«استلزام معنایی» به عنوان پربسامدترین راهکار حُسن تعبیر (۲۳٪) در ترجمه تابوهای این رمان، سبب می‌شود که مجموعه مصادیق بافتی تابوها، جایگزین مجموعه مصادیق تحت‌اللفظی آن‌ها گردد و از بار معنایی ناخوشایند تابو کاسته شود تا مخاطب با درک خود و با استفاده از فرایند استلزام، معنای تلویحی تابو را استنباط کند.

«گسترش معنایی»، دومین شگرد پربسامد (۲۰٪) در ترجمه تابوهای رمان الهوی است. مترجم با استفاده از این شگرد و بر اساس بافت متن و انطباق آن بر فرهنگ مقصد (ایران)، معنای واژه‌هایی را که درباره معنای مرکزی یک تابو شکل می‌گیرد، کنار هم می‌گذارد و

بر اساس آن، معانی گسترش یافته تابو را می‌سازد. در این حالت، حُسن تعبیر جامعیت بیشتری پیدا می‌کند و در سطح بالاتری از مقوله‌بندی قرار می‌گیرد و تعابیر ناخوشایند مبدأ را نیز شامل می‌شود.

«مجاز»، سومین شگرد پربسامدی (۱۸٪) است که در ترجمه این رمان به کار می‌آید. این شگرد به دلیل داشتن تأویل و بیان حقایق پنهان، در ظاهر از مطرح شدن تابوها جلوگیری می‌کند، اما به دلیل تطابق با روح و حقیقت معنایی، محتوای تابو را در خود حفظ می‌کند. مناسب‌ترین نوع مجاز برای ترجمه تابوهای این رمان، به‌ویژه تابوهای جنسی، مجاز کُل به جزء است؛ زیرا مترجم واژه کُل، مثلاً بدن انسان را ذکر می‌کند و واژه جزء، مثل اندام تناسلی را اراده می‌کند. مخاطب نیز بنا بر بافت و سیاق عبارت درک می‌کند که مقصود مترجم، آن جزء خاص است.

در رمان الهوی، واژه‌ها و عبارات بسیار منفی وجود دارد که برای ترجمه این عبارات به زبان فارسی، گریزی جز حذف آن‌ها نیست؛ چراکه بلاغت‌ورزی مترجم گاهی از رهگذر «نگفتن» است و نه «گفتن». از سوی دیگر، چنین حذف‌هایی معمولاً برای برجسته‌سازی پیامی خاص شکل می‌یابد و سیاق کلی متن، معیاری برجسته در تعیین عناصر محذوف است.

شگردهای کم‌کاربردتر در ترجمه رمان الهوی، شامل «کم‌گفت» (۱۳٪)، «مضاعف‌سازی» (۵٪)، «عبارات اشاره‌ای» (۴٪) و «وام‌واژه» (۲٪) هستند. مترجم با کمک این شگردها، تابوها را ضعیف‌تر و ملایم‌تر از حدّ خود بیان می‌کند (کم‌گفت) و با تکرار گروه‌های اسمی خاصی، همچون فلان‌فلان و چیزمیز، به جای نام تابو، سعی بر کمرنگ شدن بار معنایی تابو دارد (مضاعف‌سازی). همچنین، با استفاده از ضمائر «این» و «آن» برای اشاره به تابوی مدّ نظر (عبارات اشاره‌ای) و یا استفاده از نام عربی یا لاتین برخی از تابوها و تغییر رمز آن (وام‌واژه)، از نفوذ تعابیر زشت و ناپسند در فرهنگ مقصد (ایران) جلوگیری می‌کند. می‌توان گفت علت کارکرد اندک این چهار شگرد در ترجمه رمان مورد نظر بدین سبب است که آن‌ها بیشتر جایگزینی برای نام صریح و اختصاصی اندام‌های تناسلی

هستند و از آنجا که نویسندهٔ رمان، زن است و زن‌ها در مقایسه با مردها از صورت ادبی زبان بیشتر استفاده می‌کنند، پس در این رمان، به‌ندرت از چنین واژگانی استفاده شده‌است.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

- آذردشتی، مریم. (۱۳۹۰). *رویکرد هنجارمحور به ترجمه تابوهای کلامی در ناطوردشت*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.
- أبوزلال، محمد إبراهیم. (۲۰۰۱م). *التعبير عن المحظور اللغوي والمحسن اللفظي في القرآن الكريم*. أطروحة الدكتوراه جامعة القاهرة.
- أدراوی، العیاشی. (۲۰۱۱م). *الاستلزام الحواری فی التداول اللسانی*. ط ۱. الجزائر: دارالأمان.
- اعتضادی، شیدا و فاطمه‌سادات علمدار. (۱۳۸۷). «تحلیل جامعه‌شناختی زبان مخفی در بین دختران». *مطالعات راهبردی زنان*. د ۱۱. ش ۴۱. صص ۶۵-۹۶.
- امام، عباس (۱۳۹۵). «ترفندهای بومی‌سازی در ترجمهٔ فارسی فیلم‌های کارتونی: رئیس مزرعه، شئل قرمزی و پاندای کونگفوکار». *مطالعات زبان و ترجمه*. د ۴۹. ش ۴. صص ۳۵-۵۹.
- أولمان، استیفن. (۱۹۸۶م). *دور الكلمة فی اللغة*. ترجمهٔ کمال بشر. ط ۱. القاهرة: الشباب.
- بلعرج، بلقاسم. (۲۰۰۶م). «ظاهرة توسع المعنى فی اللغة العربية: نماذج من القرآن الكريم». *مجلة العلوم الإنسانية*. جامعة محمد خيضر بسكرة. س ۱. ع ۹. صص ۱-۱۹.
- بنایی، مریم. (۱۳۹۰). *بررسی سانسور در ترجمهٔ رمان به زبان فارسی با نگاهی به آثار گابریل گارسیا و پائولو کوئیلو*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. دانشگاه بیرجند.
- بیاتی، لیلا. (۱۳۸۹). *بررسی ساختار زبانی حُسن تعبیر در فارسی*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی.
- پیروز، غلامرضا و منیره محرابی. (۱۳۹۴). «بررسی معنی‌شناختی حسن تعبیرات مرتبط با مرگ در غزلیات حافظ». *ادب پژوهی*. د ۹. ش ۳۳. صص ۸۱-۱۰۳.

- التفتازانی، سعدالدین. (۱۹۹۱م.). *مختصر المعانی*. ط ۱. قم: دار الفکر.
- الثبیتی، محمدبن سعید. (۲۰۱۳م.). *ظاهرة التلطف في الأساليب العربية*. ط ۱. السعودية: جامعة أم القرى.
- الجرجانی، عبدالقاهر. (۱۹۹۲م.). *أسرار البلاغة*. تعلیق أبوفهد محمود محمد شاکر. ط ۱. القاهرة: مطبعة المدني.
- حسام‌الدین، کریم زکی. (۱۹۸۵م.). *المحظورات اللغوية: دراسة دلالية للمستهجن والمحسن من الألفاظ*. ط ۱. القاهرة: مكتبة الأنجلو المصرية.
- حمرای، محمد. (۲۰۱۵م.). «نظرية التأدب في اللسانيات». *مجلة ألف*. س ۳. ع ۴. صص ۱۳۱-۱۴۱.
- حیدری، فاطمه؛ عزیزاده، علی. (۱۳۹۳). «نقش استراتژی ترجمه در جلوگیری از نفوذ زبانی و فرهنگی زبان مبدا فرادست در زبان مقصد فرودست». *مطالعات زبان و ترجمه*. د ۴۷. ش ۳. صص ۹۷-۱۱۲.
- خزاعی فرید، علیرضا و خلیل قاضی‌زاده. (۱۳۹۵). «تأثیر هنجارها بر روند ترجمه موردپژوهی: ترجمه‌های معاصر قرآن مجید». *مطالعات زبان و ترجمه*. د ۴۸. ش ۳. صص ۸۳-۱۰۱.
- خطابی، محمد. (۱۹۹۱م.). *لسانيات النص: مسدخ لى الى انسجام الخطاب*. ط ۱. بیروت: المركز الثقافى العربى.
- الزركشى، بدرالدین. (۱۹۸۸م.). *البرهان في علوم القرآن*. تحقیق محمد أبوالفضل ابراهیم. ط ۲. بیروت: دارالمیل.
- السامر، سوسن فیصل. (۲۰۱۲م.). «التهذيب الكلامي: دراسة إجتماعية تداولية». *مجلة كلية اللغات*. س ۴. ع ۱۲. صص ۱-۳۷.
- شاهین، عبدالصبور. (۱۹۸۴م.). *في علم اللغة العام*. ط ۴. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- شریفی، شهاب و الهام دارچینیان. (۱۳۸۸). «بررسی نمود زبانی تابو در ترجمه به فارسی و پیامدهای آن». *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*. د ۱. ش ۱. صص ۱۲۷-۱۴۹.

- شکیبا، نوشین. (۱۳۸۶). «تأثیر بافت اجتماعی بر کاربرد دشواژه‌ها در گفتار زنان و مردان تهرانی». *زبان و زبان‌شناسی*. د ۳. ش ۶. صص ۱۴۱-۱۵۲.
- طالب‌نیا، احسان. (۱۳۹۲). «راهبردهای ترجمه تابو در دوبله فیلم‌های پلیسی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- عبدی، کوروش. (۱۳۸۶). *استراتژی‌های مترجم برای برخورد با تابوها در فیلم‌های دوبله‌شده از انگلیسی به فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علامه طباطبائی.
- عرعار، سامیه و اکرام هاشمی. (۲۰۱۶م.). «إضطرابات اللغة والتواصل». *مجلة العلوم الانسانية والاجتماعية*. ع ۲۴. صص ۱-۱۴.
- عفیفی، أحمد. (۲۰۰۷م.). *الإحالة فی نحو النص*. ط ۱. القاهرة: جامعة القاهرة.
- عمّوش، أحمد محمد فلیح. (۲۰۱۱م.). *التلطف فی لغة القرآن الكريم*. التحقيق سعید جبر أبو خضر. ط ۱. الأردن: جامعة آل البيت.
- الغیلی، عبدالمجید. (۲۰۰۸م.). *الألفاظ الدخيلة وإشكالية الترجمة اللغوية والحضارية*. رسالة ماجستير. القاهرة: جامعة الأزهر.
- فلوجل، جون کارل. (۱۹۶۶م.). *الإنسان والأخلاق والمجتمع*. ترجمه أمين موسى قنديل. ط ۲. القاهرة: دار الفكر العربي.
- قاضی‌زاده، خلیل و وحید مردانی. (۱۳۹۱). «بررسی راهبردهای مترجمان در ترجمه تابوهای غربی در دوبله فیلم‌های انگلیسی به زبان فارسی». *زبان و ترجمه*. د ۳. ش ۸. صص ۸۵-۹۹.
- کاده، لیلی (۲۰۱۴م.). «الإستلزام الحواری فی الدرس اللسانی الحديث: طه عبدالرحمن أنموذجاً». *الممارسات اللغوية*. ع ۲۱. صص ۱۶۹-۱۹۴.
- کامل، مراد. (۱۹۶۳م.). *دلالة الألفاظ العربية وتطورها*. ط ۱. القاهرة: معهد الدراسات العربية العالية.
- موسوی، سجاد و ابراهیم بدخشان. (۱۳۹۱). «حُسن تعابیر ناپسند». *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*. د ۲. ش ۲. صص ۱۷۱-۱۸۷.

- _____ . (۱۳۹۳). «بررسی زبان‌شناختی به گویی در زبان فارسی». *جستارهای زبانی*. د. ۵. ش ۱. صص ۱-۲۶.
- _____ . (۱۳۹۵). «بررسی حسن تعبیر در زبان فارسی: رویکردی گفتمانی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*. د. ۶. ش ۱۲. صص ۵۵-۶۷.
- میرزایی، فرامرز و دیگران. (۱۳۹۴). «شگرد ساده‌سازی تابوهای فرهنگی در برگردان‌های مرعشی‌پور از رمان‌های راه و کوچۀ مدق نجیب محفوظ». *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*. د. ۵. ش ۱۳. صص ۱-۲۴.
- نوروزی، علی و حمید عباس‌زاده. (۱۳۸۹). «حسن تعبیر در زبان و ادبیات عربی: شیوه‌ها و انگیزه‌ها». *زبان و ادبیات عربی*. د. ۲. ش ۳. صص ۱۴۹-۱۷۴.
- Allan, K. & K. Burridge (1991). *Euphemism and Dysphemism: Language Used as Shield and Weapon*. New York: Oxford University Press .
- Casas Gomez, Miguel. (2009). "Towards a New Approach to the Linguistic Definition of Euphemism". *Language Sciences*. Vol. 31. Pp 725-739.
- Evans, Vyvyan & Melanie Green. (2006). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Edingburg: Edingburg University Press.
- Hammad, O. (2007). "Euphemism: Sweet Talking or Deception". *D. Essay in Linguistic Hogskolan Dalarna*. Spring Term.
- Inkelas, S. (2006). "Reduplication", in Keith Brown (ed. in chief), *Encyclopedia of Languages and Linguistics*. 2nd ed., Vol. 10. Oxford: Elsevier, Pp 417-419.
- Modarresi Tehrani, Yahya. (2009). "Changes in the Markers of Politeness and Power in Iranian Culture and the Persian Language". *Journal of Iranian Studies* (Iran Kenkyu). Vol. 5.
- Spencer-Oatey, Helen. (1996). "Reconsidering Power and Distance". *Journal of Pragmatics*. Vol. 26. Pp. 1-24.
- Warren, Beatrice. (1992). "What Euphemisms Tell us about the Interpretation of Words". *Studia Linguistica*. No. 46 (2). Pp. 128-172 .
- Williams, J. (1975). *Origins of the English Language: A Social and Linguistic History*. New York: The Free Press.